



Identifying the drivers of the military influence of the Islamic Republic of Iran in the West Asia region

Aliashraf Saeidifard ^۱ | Ibrahim Roumina ^۲ | Mohammad Reza Hafeznia ^۳ |
Reza Roshni ^۴

۱. Doctoral student of political geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: a.saeidifard@modares.ac.ir

۲. Associate Professor, Department of Political Geography, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: e.roumina@modares.ac.ir

۳. Full Professor, Department of Political Geography, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: hafez_m@modares.ac.ir

۴. Assistant Professor of the Faculty of Support and Headquarters, Command University and AJA Headquarters, Tehran, Iran. E-mail: R.Roshani@casu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: ۲۰۲۴ January ۳۰

Received in revised form

۲۰۲۴ June ۲۳

Accepted: ۲۰۲۴ July ۱

Published online: ۲۰۲۴

September ۲۲

Keywords:

Defense diplomacy, West

Asia, geopolitical

influence, military

influence

ABSTRACT

Objective: The main purpose of this article is to identify the drivers of the military influence of the Islamic Republic of Iran from a geopolitical point of view in the West Asian region.

Methodology: This research is descriptive-analytical in terms of its fundamental purpose and nature and method. Upstream documents and library sources have been used to identify the drivers of military influence. Qualitative data analysis based on the content analysis method (MAXQDA), which led to the identification of more than ۱۲۲ basic themes.

Findings: After combining and summarizing, these basic themes have been reduced to ۶۳ central themes and finally ۱۳ main categories have been extracted as key drivers and finally, their impact and effectiveness coefficients have been measured by taking advantage of the opinion of experts and by using Micmac software.

Originality: The results and findings of this research show that the development of the Islamic Republic of Iran's military influence in the West Asian region is very important, and its effective drivers are, in order of priority, the conclusion of military-security agreements, the possession of unconventional weapons, the allocation of military budgets, and the expansion of diplomacy. Defense, establishing military bases, the ability to produce military equipment, having advanced weapons, using intelligent power, sending military aid, sending military dependents, using weapons and military equipment, selling military weapons and the number of military personnel.

Cite this article: Saidi Fard, Ali Ashraf; Romina, Ibrahim; Hafeznia, Mohammadreza; Roshni, Reza; (۱۴۰۲). Identifying the drivers of the military influence of the Islamic Republic of Iran in the West Asia region. *Defense Futures Studies*, ۹ (۳۲), ۳۷- ۶۳.

DOI: [10.22034/dfs.2024.2021661.1771](https://doi.org/10.22034/dfs.2024.2021661.1771)

© The Author(s)

Publisher: AJA Command and Staff University





شناسایی پیشران‌های نفوذ نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا

علی‌اشرف سعیدی فرد^۱ | ابراهیم رومینا^۲ | محمدرضا حافظ‌نیا^۳ | رضا روشنی^۴

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، رایانامه: a.saeidifard@modares.ac.ir

۲. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران، رایانامه: e.roumina@modares.ac.ir

۳. استاد تمام گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران، رایانامه: hafezn_m@modares.ac.ir

۴. استادیار دانشکده پشتیبانی و ستاد، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا تهران، ایران، رایانامه: R.Roshani@casu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: هدف اصلی این مقاله شناسایی پیشران‌های نفوذ نظامی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه ژئوپلیتیکی در منطقه غرب آسیا است.

مقاله پژوهشی

روش‌شناسی: این تحقیق از لحاظ هدف، بنیادی و از حیث ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. برای شناسایی پیشران‌های نفوذ نظامی از اسناد و مدارک بالادستی و منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی مبتنی بر روش تحلیل محتوا (نرم‌افزار مکس کیودا)، انجام شده که به شناسایی بیش از ۱۲۲ مضمون پایه منجر گردیده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

یافته‌ها: مضامین پایه پس از ترکیب و تلخیص به ۶۳ مضمون محوری تقلیل یافته و در نهایت ۱۳ مقوله اصلی به‌عنوان پیشران‌های کلیدی استخراج شده است و ضریب اثرگذاری و اثرپذیری آن‌ها با بهره‌گیری از رأی صاحب‌نظران و با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک سنجیده شده است.

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

کلیدواژه‌ها:

نتیجه‌گیری: یافته‌های این تحقیق نشان‌گر آن است که توسعه نفوذ نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا بسیار حائز اهمیت است و پیشران‌های اثرگذار آن به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: انعقاد پیمان‌های نظامی-امنیتی، دارا بودن سلاح‌های نامتعارف، تخصیص بودجه نظامی، گسترش دیپلماسی دفاعی، ایجاد پایگاه‌های نظامی، توانایی تولید تجهیزات نظامی، دارا بودن سلاح‌های پیشرفته، استفاده از قدرت هوشمند، ارسال کمک‌های نظامی، اعزام وابسته نظامی، استفاده از جنگ‌افزارها و تجهیزات نظامی، فروش تسلیحات نظامی و تعداد کارکنان نظامی.

دیپلماسی دفاعی، غرب آسیا، نفوذ ژئوپلیتیکی، نفوذ نظامی.

استناد: سعیدی فرد، علی‌اشرف؛ رومینا، ابراهیم؛ حافظ‌نیا، محمدرضا و روشنی، رضا (۱۴۰۳). شناسایی پیشران‌های نفوذ نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا. *فصلنامه علمی آینده‌پژوهی دفاعی*، ۹ (۳۲)، ۳۷-۶۳.

DOI: 10.22034/dfs.2024.2021661.1771

ناشر: دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

© نویسندگان



مقدمه

ژئوپلیتیک علم رقابت و گسترش حوزه نفوذ حکومت‌ها و کنشگران سیاسی است که درصدد کسب قدرت و تصرف ابزارها، اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند. سیستم‌ها و ساختارها برای تصرف فرصت‌ها و مقدرات، در مکان و فضای جغرافیایی به رقابت می‌پردازند و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضاهای جغرافیایی توسعه داده و به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند و بر عکس رقبا را از فضاهای مورد منازعه محروم سازند. نفوذ ژئوپلیتیکی میزان و نحوه اثرگذاری یک بازیگر سیاسی بر فرایندهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی سایر سیستم‌ها در ورای مرزهای سیاسی گفته می‌شود. نفوذ، منعکس‌کننده سلطه و اقتدار و نتیجه نابرابری قدرت یک بازیگر سیاسی است که برای تغییر یا تحمیل رفتاری خاص بر سایر بازیگران و رقبا مورد استفاده قرار می‌گیرد (سعیدی‌فرد، ۱۴۰۲: ۲۷). برخی نفوذ را سلطه نامرئی بر فضای جغرافیایی و انسان‌های ساکن در آن می‌دانند. معنای دیگر نفوذ عبارت است از ظرفیت و توان یک بازیگر برای تغییر یا تحمیل رفتاری خاص بر بازیگر دیگر در سیستم بین‌المللی. بازیگران عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سرزمینی دائماً برای توسعه حوزه نفوذ خود تقابل و رقابت می‌کنند. از این‌رو قلمروها و مرزهای ژئوپلیتیکی آنان دچار تغییرات فضایی می‌شود. در جهان امروز حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی با قلمروسازی و قلمروخواهی، میزان قدرت ملی و رقابت بین کشورها ارتباطی تنگاتنگ داشته و بر جایگاه و منزلت یک کشور در بین سیستم‌های سیاسی و تبیین روابط خارجی با دیگر کشورها و بازیگران در تمامی سطوح، در طیفی گسترده از تعامل و همکاری گرفته تا تعارض و جنگ، نقش بسزایی ایفاء خواهد کرد. امروزه رقابت‌ها برای نفوذ در سطح جهانی و منطقه‌ای به شدت افزایش یافته و در این میان منطقه غرب آسیا نیز به‌عنوان یک زیرمجموعه از سیستم بین‌المللی، نمونه‌ای چندوجهی از این نظم نوین جهانی است که به‌سرعت پیش می‌رود. علایق کشورهای این منطقه به قدرت نظامی و توسعه نفوذ نظامی در آینده، مسیر روابط بین‌المللی را به‌سوی نظم و تطابق کمتر سوق می‌دهد؛ بنابراین دور از انتظار نیست که قدرت‌های منطقه‌ای در این قسمت از جهان بخواهند زمین رقابت و تقابل را خارج از مرزهای خود قرار داده و این بازی را تداوم دهند. در جهان امروز بیش از هر زمان دیگری رقابت برای جایگاه و نفوذ در سطح منطقه‌ای و

جهانی افزایش یافته است. منطقه غرب آسیا به لحاظ ژئوپلیتیکی، منطقه‌ای حساس با منازعات و تعاملات پیچیده است. الگوهای رفتاری متفاوت و چندگانه بازیگران در سطح منطقه، شامل: رقابت، تقابل، تعامل و همکاری، متأثر و تأثیرگذار بر پیچیدگی روابط ژئوپلیتیکی و تنش‌آمیز منطقه و تأثیر آن بر روند تحولات منطقه غرب آسیا، پویایی‌های مهم و در جریان، در منطقه هستند که سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی را به شدت متأثر می‌کنند. (اسدی‌کیا، ۱۳۹۹). جنوب غرب آسیا عرصه بازیگران متعدد همراه با اهرم‌ها و ابزارهای پیچیده است. لذا فضای نزاع و کشمکش، پایدار بین کشورها بوده و قواعد بازی ثابتی ندارد. همچنین فضای مورد مطالعه، فضای کنش قدرت‌های جهانی در طی چند قرن اخیر بوده که پیامدهای جدی امنیتی و سیاسی به همراه داشته است. فقدان تفاهم راهبردی از یک‌سو و فقدان هماهنگی‌های فکری و سیاست‌گذاری از سوی دیگر، زمینه برداشت نادرست میان طرفین را افزایش داده است. (Allison and Simes, 2017: 29-30). که این مسئله در آینده بر میزان نفوذ نظامی و به تبع آن بر قدرت ملی تأثیر مستقیم دارد؛ لذا با توجه به آنچه گفته شد، هدف اصلی این مقاله شناسایی پیشران‌های نفوذ نظامی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه ژئوپلیتیکی در منطقه غرب آسیا است و در نهایت تلاش شد که بر اساس یافته‌های پژوهش، ضریب تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مؤلفه‌های نفوذ نظامی جمهوری اسلامی ایران را در این منطقه بر یکدیگر بسنجد.

اهمیت این پژوهش، افزایش سهولت در فهم چگونگی اعمال نفوذ نظامی به‌عنوان یک بُعد از ابعاد نفوذ ژئوپلیتیکی و تأثیر فزاینده آن در تعیین نوع روابط جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورهای منطقه غرب آسیا و توسعه حوزه نفوذ کشور در ورای مرزهای بین‌المللی در آینده باشد. نفوذ نظامی می‌تواند زمینه‌ساز امنیت، توسعه و ارتقاء قدرت ملی باشد که این مهم به طراحان کشوری و لشکری برای شناخت و برنامه‌ریزی‌های سناریویی مبتنی بر پیش‌نگری در جهت گسترش حوزه نفوذ نظامی کشور برای تأمین و تحصیل منافع ملی کمک می‌کند. نپرداختن به این مسئله، موجب ناآگاهی از قابلیت‌های نظامی کشور برای توسعه نفوذ نظامی و عدم بهره‌گیری از توانمندی‌های بالقوه کشور در توسعه نفوذ و گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی خود خواهد بود.

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که پیشران‌های نفوذ نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا کدامند؟ و سؤالات فرعی پژوهش نیز به ترتیب عبارت‌اند از: ابعاد و مؤلفه‌های پیشران‌های نفوذ نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا کدامند؟ و این نفوذ ژئوپلیتیکی چگونه مورد سنجش قرار می‌گیرد؟

مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش

مبانی نظری

اگرچه قدرت در تطوّر خود از ماهیت سخت به سمت نرم تبدیل یافته است؛ در عصر نرم‌افزاری شدن شاهد این واقعیت نیز هستیم که محققان غربی در بازشناسی قدرت بر اساس واقعیت‌های صحنه اعمال قدرت، به این نتیجه رسیدند که قدرت هوشمند در موقعیت‌های مکانی و زمانی خاص، کارآمدتر و مؤثرتر از به‌کارگیری قدرت سخت یا نرم به‌تنهایی است. با توجه به رابطه مستقیم بین نفوذ و قدرت، نفوذ نیز به تبع تحول قدرت هوشمند، متحول شده و انواع نفوذ مبتنی بر انواع قدرت را در دسترس قرار داده است (باقری چوکامی، ۱۴۰۱: ۶۲).

نفوذ نظامی به‌عنوان یکی از ابعاد نفوذ ژئوپلیتیکی در تعریف، بیانگر میزان و نحوه اثرگذاری یک بازیگر سیاسی با استفاده از ابزار نظامی بر فرایندهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و اجتماعی سایر سیستم‌ها در ورای مرزهای سیاسی است که برای تغییر یا تحمیل رفتاری خاص بر سایر بازیگران و رقبا مورد استفاده قرار می‌گیرد (سعیدی‌فرد، ۱۴۰۲: ۱۲). شکست کشورهای قدرتمند از لحاظ نظامی همچون آمریکا در جنگ با ویتنام و یا شکست عراق از ایران در جنگ تحمیلی، این تلقی را ایجاد کرد که به غیر از ادوات نظامی، قدرت فرماندهی، طراحی استراتژی و تجهیزات پیشرفته، باید عامل دیگری در رسیدن به پیروزی دخیل باشند. این عامل قطعاً از جنس سخت‌افزار نبود؛ زیرا شکست‌خوردگان این جنگ‌ها چیزی از لحاظ نظامی کم نداشتند؛ لذا شکست آن‌ها را باید در عوامل نرم‌افزارانه جستجو کرد. این پدیده متفکران و نظریه‌پردازان را به تلاش برای ارائه یکسری نظریات جدید در حوزه نظامی و سیاسی و حول موضوع قدرت واداشت و عاملی در جهت روی آوردن کشورها به قدرت نرم شد. بر همین اساس و به‌تدریج، آن نگرش تک‌بعدی به قدرت و محدود کردن آن به حالت سخت‌افزارانه، جای

خود را به نگرشی چندبعدی و مفاهیم جدیدی همچون قدرت نرم، امنیت نرم، استراتژی نرم و جنگ نرم داد (جعفری هرندی، ۱۳۹۵: ۳۹).

رویکردهای اصلی به قدرت نرم، همانند آنچه متفکران مختلف به‌عنوان تعریف قدرت نرم مطرح کرده‌اند، یکسان نیست و می‌توان آن را ذیل چند رویکرد اصلی دسته‌بندی کرد. رویکرد اول: قدرت نرم به‌مثابه جذابیت. جوزف نای در کتاب «قدرت نرم (ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل)»، قدرت نظامی را ذیل عنوان قدرت سخت و قدرت اقتصادی را ذیل عنوان قدرت نیمه سخت قرار می‌دهد و سپس به تبیین قدرت نرم می‌پردازد. نای در تعریف این نوع از قدرت می‌گوید که «قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار و تطمیع» (نای، ۱۳۸۷: ۲۴).

رویکرد دوم: در این رویکرد، قدرت نرم به معنای توانایی و کارایی است اما در تعریف سوم از قدرت نرم، یک بازیگر به دنبال جذب دیگران و همراه کردن آنان با خود نیست بلکه به دنبال آن است که با استفاده از منابع نرم‌افزارانه، توانایی و کارایی خویش را افزایش دهد. در تعریف سوم «نای» تا حدودی به قدرت نظامی نزدیک می‌شود زیرا در آنجا نیز یک بازیگر می‌تواند بدون پذیرش و یا جذب دیگران، قدرت نظامی خویش را بر آنان اعمال کند. قدرت نرم در مقایسه با قدرت سخت درحالی که برخوردار از یکسری مزایاست، واجد نارسایی‌هایی نیز هست. این امر موجب شده تا برخی مفهوم دیگری را تحت عنوان «قدرت هوشمند» مطرح کنند. قدرت هوشمند به چگونگی ترکیب قدرت سخت و نرم و استفاده همزمان از آن‌ها برای رسیدن به اهداف اشاره دارد (همان: ۴۷).

اگر قدرت سخت را استفاده از ابزار نظامی برای پیروزی در جنگ و یا مداخله قلمداد کنیم و قدرت نرم را تلاش برای تسخیر و جلب قلوب و توجه عامه؛ قدرت هوشمند تلاش برای تلفیق و به‌کارگیری هر دوی این ابزارهاست. در حقیقت قدرت سخت و نرم به‌نوعی مکمل هستند و هر یک از آن‌ها دیگری را تقویت و افزایش می‌دهد. به‌طور کلی هریک از انواع منابع قدرت برای اینکه بتواند حداکثر کارآمدی را داشته باشد به منابع دیگر قدرت احتیاج دارد. در واقع قدرت هوشمند توسعه و پیگیری یک راهبرد ادغام شده از قدرت نرم و سخت، منبع‌بنیان و مجموعه‌ای از ابزارها برای دستیابی به اهداف یک کشور است. رویکردی است که از ضرورت سرمایه‌گذاری سنگین بر روی نیروی نظامی فرو کاسته اما به‌جای آن سرمایه‌گذاری هنگفتی بر روی اتحاد، مشارکت و عضویت در نهادها در هر سطحی را پیشنهاد می‌کند تا بدین طریق دایره نفوذ آن کشور

را گسترش دهد و به اقدامات آن مشروعیت بخشد. قدرت هوشمند هم کارویژه‌های قدرت نرم که شامل: کمک‌های خارجی، دیپلماسی و تحریم هستند را در اختیار دارد و هم شامل استفاده از قدرت انتظامی می‌شود که شکل رایج قدرت سخت است؛ به عبارت دیگر ادغام انعطاف‌پذیر، کامل و فعال منابع متنوع قدرت ملی، جوهره و ذات قدرت هوشمند است. از دیگر مواردی که بر توجه به نفوذ از راه نظامی می‌پردازد، اعلام موسسه بروکینگز است که اذعان می‌کند: تعاملات شخصی و آموزشی از مؤثرترین شیوه‌هایی است که آمریکا برای برقراری ارتباط و نفوذ در جوامع خارجی در اختیار دارد. همچنین بورس‌های تخصصی برای نفوذ در نیروهای مسلح، امور همگانی، اقتصاد و ... در اولویت بوده و مستحق دریافت بودجه بیشتری هستند (باقری چوکامی، ۱۴۰۱: ۴۰۵).

دولت ایالات متحده در طول تاریخ حضور بین‌المللی خود خصوصاً پس از جنگ دوم جهانی از همه ابزارها برای حفظ و گسترش حوزه نفوذ خود فروگذار نکرده است. ورود به جنگ‌های متعدد به شکل مستقیم یا به شکل نیابتی، حمایت از کودتا و تدارک آن‌ها در کشورهای مختلف، برنامه‌ریزی برای مهار و شکست کمونیسم پشت پرده آهین و تأثیرگذاری بر مردم تحت سلطه نظام‌های کمونیستی و نیز کاربرد ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای همواره در دستور کار دولت آمریکا برای توسعه نفوذ بوده و بودجه‌های قابل توجه مستقیم و پنهانی در این راستا در اختیار دولت‌های آمریکا قرار داشته است. لذا در رویکرد قدرت نرم هم نیروهای نظامی باید یک دیپلمات کارآزموده باشند و هم دیپلمات‌ها باید بتوانند از قابلیت‌های نظامی کشور به‌خوبی استفاده کنند و قادر باشند که دیپلماسی را با مؤلفه نظامی در هم آمیزند (جعفری هرندی، ۱۳۹۵: ۱۷).

برخی دیگر از صاحب‌نظران بین دیپلماسی دفاعی و نظامی تفاوت قائل شده‌اند؛ این تفاوت در این است که دیپلماسی دفاعی در به‌کارگیری آگاهانه منابع مختلف (از طیف دفاعی) برای دستیابی به نتایج مثبت در توسعه روابط با دیگر کشورها استفاده می‌کند ولی دیپلماسی نظامی، تنها قسمتی از این طیف گسترده بوده و تنها به نقش وابستگان نظامی و اقدام‌های آن‌ها محدود می‌شود. علاوه بر این دیپلماسی دفاعی ناظر بر اجرای عملیات نظامی نیست بلکه بر تمرکز آن بر پیشگیری یا توقف عملیات‌های نظامی است ولی محور اصلی دیپلماسی نظامی را طرح‌ریزی و اجرای عملیات‌های نظامی تشکیل می‌دهد. سومین تفاوت این دو در این است که دیپلماسی نظامی توسط وابستگان نظامی و صرفاً با مأموریت سخت‌افزاری به اجرا درمی‌آید لیکن دیپلماسی دفاعی توسط

وابستگان دفاعی با اندیشه و تفکر نرم‌افزاری-سخت‌افزاری برنامه‌ریزی، مدیریت و اجرا می‌شود (ریاضی، ۱۴۰۱؛ ۱۳۴).

پیدایش شکل‌گیری و مفهوم دیپلماسی دفاعی، ارائه مسیر متفاوتی از نگاه سنتی است که قائل به وجود مرزی ثابت در بین دیپلماسی و دفاع است و بر آن اساس دیپلماسی اولین خط حفاظتی کشورها و دفاع نیز آخرین خط دیپلماسی کشور به شمار می‌رود. این ایده برگرفته از دیدگاه و نگرش سنتی کلازویتسی بوده که بیان می‌داشت «جنگ ادامه سیاست‌ها اما با ابزاری دیگر است» (همان؛ ۱۰۳). بنابراین در تعریف می‌توان گفت که از نگاه سنتی دیپلماسی دفاعی انجام مذاکره و برقراری دیگر روابط بین ارتش‌ها به وسیله وابسته‌های نظامی است که هدف از اعمال آن‌ها، تأثیرگذاری بر محیطی است که نیروهای نظامی در آن به فعالیت می‌پردازند. برخی نیز دیپلماسی دفاعی را انجام فعالیت‌هایی از قبیل گفت‌وگوهای امنیتی در سطوح راهبردی، تبادل استاد و دانشجوی نظامی در موارد آموزشی و حرفه‌ای، خرید و فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی، طرح‌ریزی و برگزاری رزمایش و تمرین‌های نظامی مشترک از سوی ارتش‌ها تعریف کرده‌اند. مسلم است که موفقیت دیپلماسی دفاعی برای اعمال نفوذ نظامی در یک کشور منوط به مهارت‌های دستگاه دیپلماسی و برخورداری از سطح قابل قبولی از توانمندا است. بدون برخورداری از قدرت، دستیابی به اهداف دیپلماسی دفاعی برای ایجاد و توسعه نفوذ بسیار دشوار است. دیپلماسی دفاعی به‌عنوان مکمل دیپلماسی سیاسی مقوله‌ای است که به‌طور عمده از سوی سازمان دفاعی کشورها برای اعمال نفوذ مورد پیگیری واقع می‌شود (ریاضی، ۱۴۰۱؛ ۱۰۴).

با این وجود می‌توان گفت که در دنیای امروز، وظیفه نیروهای نظامی فقط اندیشیدن به جنگ نیست، به‌واقع، دیپلماسی دفاعی را باید بخشی از قدرت ملی دانست که قادر است در کنار سیاست خارجی، منابع اعمال قدرت برای بالا بردن ظرفیت یک کشور برای قدرت افکنی و توسعه حوزه نفوذ در روابط خارجی دو و چندجانبه باشد؛ بنابراین، دیپلماسی دفاعی نه‌تنها در حوزه دفاعی فعال است بلکه در عرصه دیپلماسی نیز تضمین‌کننده توسعه نفوذ سیاسی در حوزه سیاست دفاعی خواهد بود. به‌واقع دیپلماسی، جنبه‌ای از قدرت ملی است که در کنار سیاست خارجی، منابع اعمال قدرت برای بالا بردن توان و حوزه نفوذ یک کشور در روابط خارجی را تشکیل می‌دهد. در دیپلماسی

دفاعی فعالیت‌هایی مانند آموزش نیروهای نظامی، برگزاری رزمایش‌های نظامی مشترک و مرکب، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی مورد توجه است (همان؛ ۱۰۶). بررسی‌های صورت‌گرفته در چگونگی نفوذ دفاعی و امنیتی ایالات متحده در عراق، حاکی از آن است که حمایت‌های مالی برای بازسازی ارتش از طریق ایجاد صندوق‌های گوناگون، آموزش نیروهای نظامی و فروش تسلیحات به این کشور و تلاش برای بازسازی نیروی زمینی، دریایی و هوایی عراق، استفاده از شرکت‌های امنیتی خصوصی و مبارزه با تروریسم، مهم‌ترین محورهای نفوذ آمریکا در بخش‌های دفاعی و امنیتی عراق بوده است (جعفری هرندی، ۱۳۹۵: ۸۹).

بخشی از نفوذ سخت ایالات متحده آمریکا در قالب ارائه کمک‌های مالی به بخش نظامی-امنیتی عراق با هدف ظاهری بهبود ساختارهای موجود در این حوزه، صورت می‌پذیرد. این در حالی است که واقعیت‌های میدانی پرده از بی‌ثمر بودن این کمک‌ها برداشته و هدف اصلی از این کمک‌ها که نفوذ در ساختار نظامی-امنیتی عراق است را روشن می‌سازد. بر این اساس ایالات متحده با توجیه ارائه کمک‌های مالی نه‌تنها در پی تقویت توان دفاعی عراق نبوده، بلکه نفوذ در ساختار دفاعی عراق را به‌عنوان یک هدف اصلی دنبال می‌کند و تاکنون به بهانه‌های مختلف علی‌رغم ارائه کمک‌های مالی به بخش دفاعی عراق، اجازه استقلال عمل به نیروهای امنیتی عراق را نمی‌دهد؛ چراکه همان‌گونه که بیان شد، هدف اصلی برای آمریکا، حفظ خط نفوذ در ساختار نظامی-امنیتی عراق است. آموزش نیروهای عراقی و فروش تسلیحات نظامی یکی از رایج‌ترین شیوه‌های نفوذ آمریکا برای نفوذ در ساختار نظامی عراق، آموزش نیروهای نظامی و انتظامی عراق و نیز فروش تسلیحات به واحدهای مختلف نظامی این کشور است (همان: ۹۱).

ایالات متحده آمریکا به‌منظور دوره‌گذار برای روابط با عراق پس از جنگ، بیشترین کمک‌های امنیتی خود را به طرح مالی نیروهای خارجی واگذار کرد. در راستای عادی‌سازی روابط دوجانبه، این طرح یک ابزار مهمی است که بدان طریق آمریکا به همراه شرکاء و متحدان خود در زمینه تهبیه مواد و تسلیحات و خدمات دفاعی سرمایه‌گذاری می‌کند. بر این اساس آمریکا با توجیه مبارزه با تروریسم، اقدام به مداخله در امور دفاعی و امنیتی عراق کرده است که نمونه اخیر آن ایجاد ائتلاف بین‌المللی ضد داعش است. آمریکا با تشکیل این ائتلاف علاقه‌مند است که کنترل بخشی از ارتش‌های

منطقه را در اختیار بگیرد که در کشورهای مختلف در عملیات ضد داعش با آنها همکاری کرده‌اند. این بخش، نیروهایی خواهند بود که تمایلات بیشتری به آمریکایی‌ها خواهند داشت؛ روابط سازمان‌یافته‌تری با آنها پیدا خواهند کرد و حامی آمریکایی‌ها خواهند بود؛ لذا در پذیرش فرماندهی و دستورات آمریکا به صورت روشن‌تری عمل خواهند کرد. باید توجه داشت که عملیات ضد داعش علاوه بر اهداف سیاسی که دارد، بخشی از اهداف منطقه‌ای آمریکا را در حوزه نفوذ نظامی این کشور دنبال می‌کند.

آکادمی پلی‌نزی فرانسه در یادداشتی موارد حوزه نفوذ فرانسه را این‌گونه بیان می‌کند: یک عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل که به این واسطه فرانسه حق وتو را در امور جهانی حفظ می‌کند. همچنین شبکه دیپلماتیک آن کشور - سومین شبکه در جهان - ابزار دیپلماسی خودمختار است که توسط نیروی نظامی هسته‌ای پشتیبانی می‌شود و مجهز به سلاح‌های پیشرفته‌ای مانند هواپیماهای رافائل همه‌کاره و ناو هواپیمابر هسته‌ای شارل دوگل را در اختیار دارد که به‌طور مستمر در لیبی، ساحل عاج، جمهوری آفریقای مرکزی، عراق و سوریه مستقر هستند (آکادمی پلی‌نزی فرانسه، ۲۰۱۷).

آلن بیتای در مطلبی که چتم هاوس آن را منتشر ساخت، نوشت: اتحادیه اروپا فاقد هرگونه ارتشی است که بتواند آن را به میدان نبرد و جنگ گسیل کند. اتحادیه اروپا از توان نظامی و سیاسی کافی برخوردار نیست تا بتواند کمک‌هایی را در اختیار دولت‌های خارجی قرار دهد و از آنها پشتیبانی کند یا فاقد دستگاه اطلاعاتی متمرکز است. (بیتای، ۲۰۲۱). لذا بعد از پایان جنگ جهانی دوم ایالات متحده آمریکا و شوروی با توجه به ضعف به وجود آمده در قدرت‌های اروپایی، توانستند خود را به‌عنوان دو قدرت برتر در نظام نوین جهانی معرفی کنند که در نتیجه آن، دورانی از رقابت و درگیری میان آنها را برای گسترش حوزه نفوذ خود در جهان آغاز کردند. در این نظام جدید ژئوپلیتیک، آمریکا تلاش می‌کرد تا گسترش کمونیسم در جهان را محدود کند و در مقابل شوروی نیز در تلاش برای صدور انقلاب کمونیستی خود در سایر کشورها بود. این رقابت‌های ژئوپلیتیکی در قالب پیمان‌های امنیتی ناتو در اروپای غربی، سنتو در منطقه خاورمیانه، سیتو در محدوده جنوب شرقی آسیا در برابر پیمان ورشو شکل گرفت (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۳).

برای بررسی نقش ایران در توسعه حوزه نفوذ خود در غرب آسیا در حوزه نفوذ نظامی، می‌توان به موارد متعددی قبل از انقلاب اشاره کرد؛ از آن جمله دخالت ایران در اعزام

نیرو به عمان جهت سرکوب شورشیان منطقه ظفار، از دیگر مواردی که حکومت پهلوی در آنجا مداخله نظامی کرد؛ اعزام نیروهای نظامی به کشور پاکستان برای سرکوب شورش بلوچ‌های پاکستان بود. همچنین از موارد دیگر می‌توان به دخالت در تحولات سیاسی در شمال آفریقا اشاره نمود که در آن زمان دولت سومالی از شاه ایران تقاضای کمک تسلیحاتی کرد. از این دست کمک‌ها به کشورهای مغرب، اردن و یمن شمالی نیز انجام شده است (همان: ۷).

از نگاه دکتر سریع‌القلم تسلط بر مناطق نفتی در خاورمیانه، نفوذ و قدرت بین‌المللی آمریکا را افزایش خواهد داد؛ آمریکا تا حد توان تلاش می‌کند که از قدرتمندتر شدن چین، ایران و روسیه در خاورمیانه جلوگیری کند. همچنین عقد قراردادهای و تعهدات نظامی با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، عراق، مصر، ترکیه و اردن حاکی از ادامه این سیاست‌ها است که امروزه نه تنها کاهش پیدا نکرده است، بلکه شاهد افزایش آن نیز بوده‌ایم (سریع‌القلم، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

به نقل از سریع‌القلم اواما مبنای فکر خود را در مصاحبه‌ای با جفری گلوبوگ از مجله آتلانتیک در سال آخر ریاست جمهوری اش این‌گونه تبیین کرد: اقدام برای ائتلاف‌سازی و چندجانبه‌گرایی، بهترین روش برای گسترش حوزه نفوذ است؛ آمریکا باید در موضوعی وارد شود که به‌طور آشکار و مستقیم به منافع و تهدیدهای وی مربوط می‌شود. از سوی دیگر کشور روسیه، قدرت نظامی و قدرت بازدارندگی هسته‌ای خود را مهم‌ترین امتیاز خود برای بازیگری سیاسی و نفوذ در سطح جهانی می‌داند و به همین منظور میزان فعالیت‌های سیاسی و نظامی خود را در تمام مناطقی که آمریکا حضور دارد، افزایش می‌دهد؛ به همین دلیل، روسیه مهم‌ترین چالش ژئوپلیتیکی برای سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در شکل دادن به نظم نوین جهانی با محوریت غربی است (همان: ۱۳۸).

یکی از حوزه‌های نفوذ آمریکا در منطقه خاورمیانه ایجاد فرصت‌های جدیدی برای فروش انواع تسلیحات نظامی است. واضح است که اگر اختلاف و جنگی وجود نداشته باشد آن وقت شرکت‌های بزرگ تسلیحاتی، مشکل تولید و فروش سلاح خواهند داشت؛ بنابراین، به‌طور طبیعی، منطقه جنوب غرب آسیا منطقه بسیار تعیین‌کننده‌ای در معادلات جهانی برای دولت‌ها و همچنین شرکت‌های بزرگ تولیدکننده اسلحه و تجهیزات نظامی است. آمریکا بالغ بر صدوپنجاه هزار نفر پرسنل در بیش از ۱۵۰ کشور

دارد که نزدیک پنجاه هزار نفر از آن‌ها در کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی مستقر شده‌اند. هم‌اکنون بودجه نظامی آمریکا از مجموع بودجه نظامی کشورهای چین، روسیه، هند، ژاپن، فرانسه، برزیل، ایتالیا، آلمان، انگلیس و عربستان بیشتر است. آمریکا با تعداد ۸۰۰ پایگاه نظامی و تصویب هزینه تقریبی ۱۵۶ میلیارد دلار در سطح جهان ایفای نقش می‌کند. همچنین هزینه‌های نظامی ایالات متحده آمریکا در کشورهای عراق، افغانستان و پاکستان، ۴/۸ تریلیون دلار برآورد شده است؛ لذا هرگونه بی‌ثباتی سیاسی و تقابل نظامی به نفع شرکت‌های تولیدکننده اسلحه است و درعین حال، فرصتی برای زورآزمایی‌های سیاسی و گسترش حوزه نفوذ نظامی ایجاد می‌کند. این فضای نظامی و امنیتی، حاکی از فروش بیشتر تسلیحات به کشورهای عربی، اسرائیل و ترکیه بوده و نفوذ امنیتی-نظامی آمریکا را در منطقه تشدید می‌کند. همچنین حضور گروه‌های تروریستی (همانند داعش) - تا زمانی که دایره عملکرد داعش در عراق و سوریه حفظ شود- فرصت حضور و نفوذ دائمی‌تری در عراق به آمریکا می‌دهد. همان‌گونه که در چارچوب نظریه کی‌گن آمده است؛ رقابت‌ها برای نفوذ در سطح جهانی و منطقه‌ای به شدت افزایش یافته و خاورمیانه به‌عنوان یک زیرمجموعه از سیستم بین‌المللی، نمونه‌ای چندوجهی از این نظم نوین جهانی است (سریع‌القلم، ۱۳۹۵: ۱۴۵).

اسرائیل به‌عنوان یک بازیگر در منطقه غرب آسیا با نقش‌آفرینی و ارتباط با کشورهای این منطقه سعی در محدود نمودن قلمرو نفوذ ایران داشته و به دنبال توسعه حضور و نفوذ خود در این منطقه است. به‌طور مثال: خرید تسلیحات از اسرائیل در روابط این کشور با جمهوری آذربایجان نقش ویژه‌ای دارد، آذربایجان حجم قابل توجهی تجهیزات نظامی را از اسرائیل با هدف مقابله با همسایگان خود به‌ویژه ارمنستان خریداری می‌کند که از آن جمله می‌توان به هواپیماهای بدون سرنشین، سیستم ضد هوایی و موشکی و سیستم گنبد آهنین که از پیشرفته‌ترین سامانه‌های نظامی اسرائیل است اشاره کرد. رئیس‌جمهور آذربایجان در دیدار سال ۲۰۱۶ خود از اسرائیل بر خرید پنج میلیارد دلار تجهیزات نظامی از این رژیم طی قراردادهای مختلف بلندمدت تأکید کرد (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۲۲). این خریدهای نظامی و تبادل فن‌آوری و همکاری‌های اقتصادی و کشاورزی، حوزه نفوذ اسرائیل را در آذربایجان افزایش داده است. همچنین روابط اقتصادی و نظامی مهم‌ترین عامل پیوند دو کشور اسرائیل و گرجستان است. اسرائیل روابط گسترده‌ای در حوزه امور نظامی با کشور گرجستان برقرار کرده است. فروش

سلاح و تجهیزات و وسایل نقلیه زرهی، فروش پهپادها و مین‌های ضدتانک و بمب‌های خوشه‌ای، لانچرهای ۱۶۰-LAR و نیز آموزش نیروهای نظامی گرجستانی توسط نیروهای ویژه اسرائیل، محور روابط تجاری- نظامی این دو کشور را افزایش داده (همان: ۱۲۳) که زمینه‌های نفوذ اقتصادی و نظامی اسرائیل در گرجستان را ایجاد کرده است. برخلاف آسیای مرکزی و منطقه قفقاز که فناوری‌های اقتصادی کشور اسرائیل موجب اشتیاق آن‌ها برای گسترش روابطشان با اسرائیل شده است، در بین کشورهای عربی حوزه خلیج فارس فناوری‌های نظامی در اولویت اول قرار دارد؛ در سال ۲۰۱۱ شرکت‌های اسرائیلی حدود ۳۰۰ میلیون دلار تجهیزات و فناوری نظامی به کشور امارات متحده عربی فروختند که این کشور از این تجهیزات برای محافظت از چاه‌های نفتی خود استفاده می‌کند. همچنین همکاری اسرائیل با امارات برای اعمال کنترل و نظارت بر شهروندان و یا به اصطلاح جاسوسی از آنان و همچنین عقد قرارداد ۸۰۰ میلیون دلاری یکی از شرکت‌های این کشور با یک شرکت دیگر اسرائیلی که در سوئیس مستقر است و نیز موافقت برای ساخت کشتی برای اسرائیل توسط شرکت کشتی‌سازی متعلق به لبنان و امارات (به واسطه شرکت آلمانی) از دیگر مواردی است که در روابط این دو کشور با پوشش واسطه‌ها وجود دارد (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

از دیگر زمینه‌های ایجاد و توسعه نفوذ نظامی می‌توان به حوزه فضایی اشاره کرد که به نوبه خود چالش جدیدی برای رقابت بین کشورها تبدیل شده است. چالش در حوزه فضایی ناشی از تغییر نظم جهانی است که با رقابت قدرت‌های بزرگ در این حوزه شکل گرفته است. تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی در دنیای امروز، با توجه به تلاش همه دولت‌ها برای تغییر موازنه قدرت فضایی به نفع خود، نیاز به درک عمیق نیت و منافع این دولت‌ها دارد. دولت‌ها ضمن پیکربندی مجدد ارتش‌های خود و تأکید بر قواعد درگیری، به آزمایش قابلیت‌هایی مانند پرتاب موشک‌های فضاپیما و هواپیماهای فضایی خودکنترل، تسلیحات ضد ماهواره، پارازیت و لیزر ادامه می‌دهند و به دنبال آن چالش تراکم فزاینده زباله‌های فضایی و فن‌آوری‌های پاک‌سازی نیز خطرات امنیتی را برای آنان ایجاد می‌کند. بنابراین با افزایش علاقه به توسعه فناوری‌های فضایی نظامی، روایت امروز از دانش فضایی صرف، به فضای جنگی تغییر می‌کند. در نتیجه، کشورها با خطر فزاینده تجاوز یا حتی درگیری آشکار در فضای بیرونی روبرو هستند؛ این واقعیت‌ها

نگرانی‌های حقوقی و سیاسی مهمی را در مورد نظامی‌سازی در مقابل تسلیح‌سازی فناوری‌های فضایی مطرح می‌کند (Saadia, ۲۰۱۹).

چین را هم می‌توان بازیگر مهم دیگری در منطقه غرب آسیا برشمرد، چرا که اگر سرمایه‌گذاری در سهام نفت دیگر کشورها را توسط چین، بخشی از یک تلاش بزرگ‌تر برای تقویت روابط امنیتی با سایر کشورها بدانیم، انتظار می‌رود که جمهوری خلق چین از انتقال تسلیحات همراه با سرمایه‌گذاری انرژی در کشورهای دریافت‌کننده، استفاده کند. چین ممکن است انگیزه ارائه کمک‌های دفاعی و انتقال تسلیحات و یا فناوری - در صورتی که کشور گیرنده به کشور چین وابسته شود- را به دلیل ایجاد اهرمی برای نفوذ نظامی جمهوری خلق چین انجام دهد (Wojtek & Brock, ۲۰۱۲).

پیشینه‌های پژوهش

جدول (۱) پیشینه تحقیقات انجام‌شده

عنوان نظریه	نظریه سیستم ژئوپلیتیکی جهان
ارائه‌دهنده	سائول برنارد کوهن- اوایل دهه ۱۹۹۰
خلاصه نظریه	سائول برنارد کوهن، نظریه سیستم ژئوپلیتیکی جهان را در اوایل دهه ۱۹۹۰ و در ۲ بُعد توزیع قدرت و ساختار فضایی ارائه و آن را بر پایه موقعیت و قدرت کشورها در نظام جهانی تبیین کرد. وی عواملی را که بر قدرت و نقش هر یک از اجزاء سیستم، نظیر دولت‌ها و کشورها، تأثیر گذارند، این‌گونه برمی‌شمارد: ۱- عوامل و تحولات داخلی، نظیر ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فن‌آوری. ۲- عوامل خارجی، نظیر تجارت خارجی، روابط سیاسی، پایگاه‌های نظامی، هم‌پیمانان خارجی، مسئله مهاجرت و ... که به توسعه و کنش متقابل بین کشورها و دولت‌ها و همبستگی آن‌ها به‌عنوان اجزاء سیستم کمک می‌کند. ۳- نیروهای داخلی که در خارج زندگی می‌کنند و یا در خارج واقع شده‌اند.
عنوان نظریه	نظریه وزن ژئوپلیتیکی
خلاصه نظریه	«وزن ژئوپلیتیکی» رابطه مستقیم با «منزلت ژئوپلیتیکی» کشور در سیستم جهانی و منطقه‌ای دارد، یعنی هرچه قدر وزن بیشتر باشد منزلت و اعتبار عمومی کشور بین سایر کشورها اعم از بزرگ‌تر، هم‌تراز و یا کوچک‌تر بیشتر می‌شود و هر اندازه اعتبار و منزلت بیشتر افزایش یابد همان اندازه فرصت‌های جدید قدرت مرئی یا نامرئی برای اثرگذاری عینی و ذهنی بر فرآیندها، تصمیم‌سازی‌ها، اقدامات و رفتارها در مقیاس‌های مختلف محلی و همسایگی، منطقه‌ای و جهانی فراهم می‌آید و کشور می‌تواند به تدریج در جایگاه مدیریت و رهبری فرآیندها و کنش‌های جمعی قرار بگیرد و نقش سیاسی و

<p>بین‌المللی محوری ایفا کند.</p>	
<p>نظریه قلمرو و مرز ژئوپلیتیکی</p>	<p>عنوان نظریه</p>
<p>قلمرو ژئوپلیتیکی عبارت است از: فضای جغرافیایی و انسان‌ها و جوامع مربوطه که در حوزه نفوذ و تأثیرگذاری یک یا چند متغیر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، تجاری، تکنولوژیکی و رسانه‌های کشور یا بازیگر قدرتمند قرار دارد. به عبارتی کشورها و سرزمین‌ها و فضاها جغرافیایی پیرامونی که در حوزه نفوذ کشور مرکز (قطب) قرار دارد قلمرو ژئوپلیتیکی آن نامیده می‌شود. مرز ژئوپلیتیکی نیز عبارت است از مرزها و حدود نهایی قلمرو ژئوپلیتیکی و حوزه‌ای نفوذ کشور متروپل. در ارتباط با قلمرو و مرز ژئوپلیتیکی نکات زیر قابل توجه هستند:</p> <p>الف- هر قلمرو ژئوپلیتیکی دارای یک نقطه یا کانون مرکزی و یک فضای پیرامونی است. قلمرو و حوزه نفوذ نیز شامل تعدادی کشور یا جامعه تابع بوده که از اراده مرکز یا بازیگر و ارزش‌های آن متأثر می‌باشند.</p> <p>ب- قلمروهای ژئوپلیتیکی یا حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی یک کشور می‌تواند تک متغیره، چند متغیره محدود و یا چند متغیره گسترده باشد.</p> <p>پ- ارزش‌ها و مزیت‌های مورد نظر بازیگران که در فضای جغرافیایی انتشار یافته و قلمروها و مرزهای ژئوپلیتیکی آن‌ها را شکل می‌دهند از تنوع و گستردگی برخوردار است و شامل تمامی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، دینی و عقیدتی، ایدئولوژیکی، فرهنگی، ارتباطی، انسانی و اجتماعی، نظامی و امنیتی، فنی و تکنولوژیکی، علمی و آموزشی، خدماتی و تجاری و غیره می‌شود.</p>	<p>خلاصه نظریه</p>
<p>نظریه واقع‌گرایی ساختاری (نواقع‌گرایی والتزی)</p>	<p>عنوان نظریه</p>
<p>کنت والتز - ۱۹۷۹</p>	<p>ارائه‌دهنده</p>
<p>شاید بتوان واقع‌گرایی والتز را مهم‌ترین و دقیق‌ترین نظریه‌ای دانست که به تئوریزه‌گرین موضوع نفوذ در روابط بین‌الملل پرداخته است. به باور والتز، ساختار سیاست بین‌الملل، رفتار دولت‌ها را تنظیم می‌کند. در واقع، والتز در پاسخ به این پرسش که چرا دولت‌ها با وجود تفاوت‌هایی که از نظر سیاسی-ایدئولوژیک دارند، رفتارهای مشابهی در سیاست خارجی بروز می‌دهند، گزاره فوق را مطرح می‌کند. از دیدگاه وی ساختار نظام بین‌الملل بر اساس سه مؤلفه اساسی تعریف می‌شود: اول اصل سازمان دهنده، دوم، تفکیک کارکردهای واحدها و سوم، توزیع توانمندی‌ها. پذیرش این نظریه در اصل به معنای پذیرش نفوذ قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل است و در واقع، این نظریه به همین منظور ارائه شده است، می‌توان گفت نظریه والتز مهم‌ترین نظریه‌ای است که به نهادینگی نفوذ در ساختار نظام بین‌الملل اشاره کرده است؛ زیرا بر اساس این نظریه هیچ دولتی بدون رعایت ملاحظات قدرت‌های بزرگ بین‌المللی نمی‌تواند تصمیم بگیرد.</p>	<p>خلاصه نظریه</p>
<p>نظریه قدرت نرم و نفوذ</p>	<p>عنوان نظریه</p>
<p>جوزف نایب - ۱۹۹۰ - ۱۹۸۹</p>	<p>ارائه‌دهنده</p>
<p>نای قدرت نرم را بخش مهمی از منابع قدرت ملی آمریکا تلقی و بر ضرورت بهره‌گیری</p>	<p>خلاصه نظریه</p>

از آن در سیاست خارجی این کشور اصرار می‌کند. قدرت نرم در هر کشور از سه منبع نشأت می‌گیرد: فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های خارجی آن کشور، زمانی که مشروع و اخلاقی تلقی می‌شود. در مجموع، از نظر نای، کشورهایی که احتمالاً موفق می‌شوند در عصر اطلاعات قدرت نرم کسب کنند، عبارت‌اند از: اول، کشورهایی که فرهنگ و ایده‌های اصلی آن‌ها به هنجارهای حاکم جهانی (لیبرالیسم، پلورالیسم و خودمختاری) نزدیک‌تر است؛ دوم، کشورهایی که بیشترین دسترسی را به کانال‌های چندجانبه ارتباطات دارند و از این‌رو، از نفوذ بیشتری در شکل‌دهی به موضوعات برخوردارند؛ و سوم، کشورهایی که اعتبارشان تحت تأثیر عملکرد و کارایی داخلی و بین‌المللی آن‌ها افزایش می‌یابد. در مورد رابطه قدرت نرم و نفوذ نیز باید گفت که مجرای اصلی نفوذ در حال حاضر قدرت نرم است؛ بنابراین، اصلی‌ترین مجرا، هم نفوذ کردن و هم نفوذپذیری است. هدف دشمنان و نفوذگران از یکسو، تضعیف منابع قدرت نرم کشورهای مقابل و از سوی دیگر، تبلیغ و ترویج و گستراندن منابع قدرت نرم خود است. نفوذ، زمانی اتفاق می‌افتد که منابع قدرت نرم بومی به حاشیه رانده شوند و کشور به جولانگاه فرهنگ و سایر منابع قدرت نرم دشمن تبدیل شود.

جمع‌بندی پیشینه‌ها: با بررسی پیشینه‌های بالا درمی‌یابیم که مسئله نفوذ توسط نظریه‌پردازان ژئوپلیتیک، جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل همواره مورد توجه بوده و صاحب‌نظران مختلف در نظریه‌های خود به نفوذ ژئوپلیتیک (به‌طور عام) و یا به حوزه‌های نفوذ اعم از: نظامی، اقتصادی، سیاسی و ... (به‌طور خاص) به‌عنوان یک عامل مستقل پرداخته و یا نفوذ نظامی را در کنار عناوینی مانند: قدرت هوشمند، قدرت نرم، قدرت افکنی، واقع‌گرایی ساختاری در رفتار دولت‌ها، قلمرو سازی ژئوپلیتیکی یا وزن و منزلت ژئوپلیتیکی مورد توجه قرار داده‌اند. بررسی این نظریه‌ها علاوه بر تأیید و تحکیم عنوان پژوهش، پیمایش ادبیات این نظریه‌ها نیز محقق را در دست‌یابی به ابعاد و مؤلفه‌های نفوذ نظامی رهنمود بوده است.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر نوع هدف، تحقیقی بنیادی بوده و از نظر ماهیت به روش توصیفی-تحلیلی است و در مسیر انجام تحقیق کوشش شده است که با استناد بر رویکردهای اکتشافی، الگویی برای شناسایی پیشران‌های نفوذ نظامی ارائه کند؛ بنابراین از لحاظ اجرائی پژوهش بدین منوال دنبال انجام شده است:

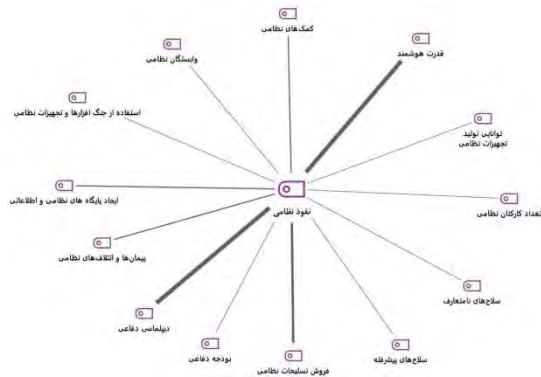
الف- بررسی دقیق پیشینه و مبانی نظری تحقیق در حوزه محیط‌شناسی نفوذ نظامی، تبیین پیشران‌های مؤثر در نفوذ نظامی و تعیین روابط آن‌ها که در این تحقیق از روش تحلیل محتوا انجام پذیرفته و سپس الگویی برای نمایش پیشران‌های نفوذ نظامی ارائه شده است؛

ب- برای تعیین ضریب نفوذ‌گذاری و اثرپذیری پیشران‌ها و دستیابی به میزان ضریب سنجش نفوذ نظامی، ماتریس دوجوهی طراحی و به روش دلفی و با اخذ نظر تعداد ۳۱ تن (۱۳ خبره خارجی و ۱۸ خبره داخلی) از خبرگان دانشگاهی و نظامی، جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل میزان اثرگذاری آن‌ها تعیین و در نهایت ضریب تأثیر هر یک از آن‌ها برای تعیین سنجش پیشران‌های ضریب نفوذ نظامی ارائه شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای شناسایی پیشران‌های نفوذ نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا، محقق با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا بر ادبیات گردآوری شده و پیشینه‌های موضوع تحلیل محتوا انجام داده که پس از کدگذاری اولیه و کدگذاری مجدد موارد ذیل شناسایی و الگوی پیشران‌های نفوذ نظامی به شرح ذیل به دست آمد:

دارا بودن سلاح‌های نامتعارف توسط کشورهای منطقه، انعقاد پیمان‌های نظامی-امنیتی با کشورهای منطقه، توجه به گسترش دیپلماسی دفاعی، تخصیص بودجه نظامی متناسب با تهدیدات پیش‌رو، استفاده کشورهای منطقه از جنگ‌افزارها و تجهیزات نظامی جمهوری اسلامی ایران، ایجاد پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی در کشورهای هم‌سو در منطقه غرب آسیا، دارا بودن سلاح‌های پیشرفته، توانایی تولید تجهیزات نظامی در جمهوری اسلامی ایران، استفاده جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت قدرت هوشمند (قدرت سخت و نرم در کنار هم) در رابطه با کشورهای این منطقه، ارسال کمک‌های نظامی برای کشورهای دوست و هم‌سو و حمایت از گروه‌های نیابتی و محور مقاومت، اعزام وابسته نظامی فعال و مجرب به کشورهای منطقه، فروش تسلیحات نظامی به سایر کشورهای منطقه و در نهایت تعداد کارکنان نظامی آموزش‌دیده و حرفه‌ای جمهوری اسلامی را می‌توان به‌عنوان پیشران‌های نفوذ نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا نام برد.

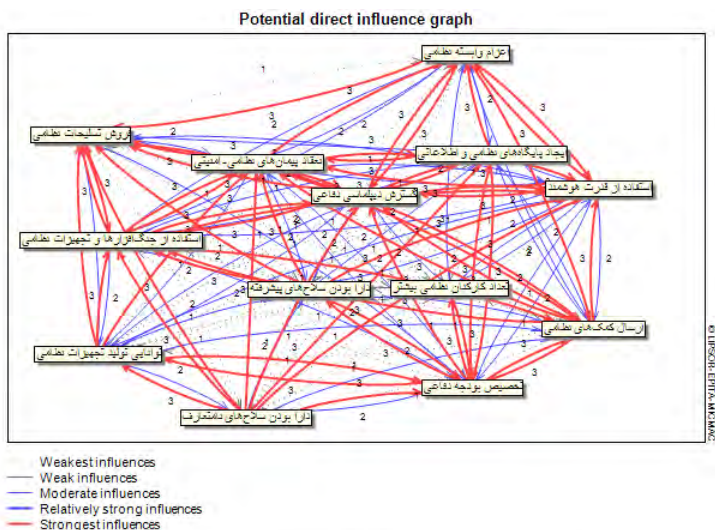


نمودار (۱) شبکه مضامین پیشران‌های نفوذ نظامی جمهوری اسلامی ایران در ... مستخرج از مکس کیودا



شکل (۱) الگوی پیشران‌های نفوذ نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا

در ادامه برای سنجش میزان ضریب نفوذ نظامی و تعیین میزان اثرگذاری و اثرپذیری این متغیرها بر یکدیگر و پس از شناسایی ۱۳ پیشران کلیدی نفوذ نظامی و با ورود آن‌ها به نرم‌افزار میک‌مک ماتریس تأثیر متقابل در ابعاد 13×13 برای تعیین میزان نفوذ هر یک از پیشران‌ها، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج خروجی را می‌توان بر اساس نقشه مختصاتی (شکل شماره ۲) تفسیر کرد: پیشران‌های ناحیه ۱ (شمال شرقی نقشه مختصاتی)، دارای تأثیر دووجهی است که در این پژوهش شامل: تخصیص بودجه دفاعی و ایجاد پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی است که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان عامل نفوذ استراتژیک نام برد. متغیرهایی که در قسمت پایین ناحیه اول قرار دارند نیز متغیرهای هدف سیستم هستند که در این پژوهش عبارت‌اند از: گسترش دیپلماسی دفاعی، استفاده از جنگ‌افزارها و تجهیزات نظامی، استفاده از قدرت هوشمند و ارسال



شکل (۳) گراف تأثیر مستقیم عوامل نفوذ قدرت نظامی

گراف شماره (۳) بیانگر تأثیرات مستقیم عوامل قدرت نظامی برای نفوذ را ترسیم کرده است. به همین ترتیب اولویت‌بندی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پیشران‌ها به شرح جدول شماره (۲) است.

جدول (۲) رتبه‌بندی میزان اثرگذاری و اثرپذیری پیشران‌های نفوذ قدرت نظامی

ردیف	پیشران‌ها	نوع متغیر	جنس متغیر	آثار مستقیم		آثار بالقوه	
				اثرگذاری	تأثیرپذیری	اثرگذاری	تأثیرپذیری
۱	انقضای پیمان‌های نظامی - امنیتی	دووجهی (هدف سیستم)	جهانی	۲۸	۳۱	۱۶۵۶۷	۱۸۳۶۱
۲	ایجاد پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی	دووجهی (عامل استراتژیک)	جهانی	۲۵	۲۵	۱۵۱۰۳	۱۵۲۴۳
۳	گسترش دیپلماسی دفاعی	دووجهی (هدف سیستم)	جهانی	۲۷	۳۳	۱۵۹۷۹	۱۹۵۵۶
۴	تخصیص بودجه دفاعی	دووجهی (عامل استراتژیک)	جهانی	۲۷	۲۸	۱۶۱۰۲	۱۵۸۲۸

ردیف	پیشران‌ها	نوع متغیر	جنس متغیر	آثار مستقیم		آثار بالقوه	
				اثرگذاری	تأثیرپذیری	اثرگذاری	تأثیرپذیری
۵	فروش تسلیحات نظامی	دووجهی (عامل وابسته)	جهانی	۲۰	۲۸	۱۲۲۴۱	۱۶۵۷۲
۶	ارسال کمک‌های نظامی	دووجهی (هدف سیستم)	جهانی	۲۴	۲۷	۱۴۶۴۳	۱۶۵۵۰
۷	دارا بودن سلاح‌های نامتعارف	عامل مستقل نفوذ	جهانی	۳۰	۱۴	۱۶۳۷۸	۸۵۴۵
۸	دارا بودن سلاح‌های پیشرفته	عامل مستقل	جهانی	۲۵	۱۸	۱۵۰۲۱	۱۰۸۴۷
۹	تعداد کارکنان نظامی بیشتر	عامل خودمختار	جهانی	۱۷	۱۵	۱۰۴۵۹	۹۳۱۵
۱۰	استفاده از جنگ‌افزارها و تجهیزات نظامی	دووجهی (هدف سیستم)	جهانی	۲۶	۲۹	۱۳۸۸۳	۱۶۲۹۴
۱۱	توانایی تولید تجهیزات نظامی	عامل مستقل نفوذ	جهانی	۲۵	۲۰	۱۵۰۷۵	۱۲۱۱۷
۱۲	استفاده از قدرت هوشمند	دووجهی (هدف سیستم)	جهانی	۲۵	۳۱	۱۴۹۰۱	۱۶۳۴۵
۱۳	اعزام وابسته نظامی	عامل وابسته	جهانی	۲۳	۲۳	۱۳۷۷۳	۱۴۵۵۲

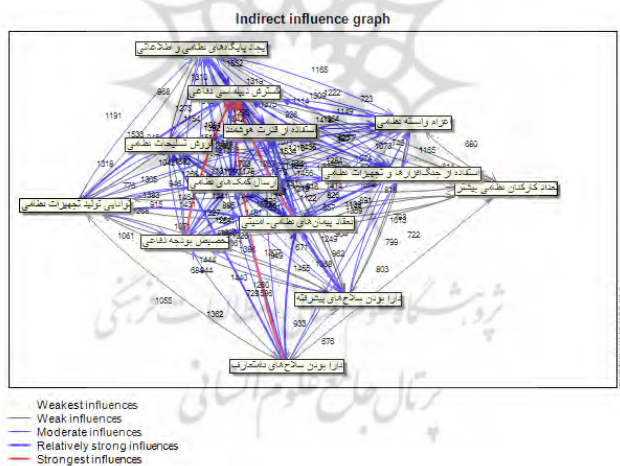
تفسیر: نتایج مندرج در جدول شماره یک بیانگر این موضوع است که عوامل نفوذ نظامی به ترتیب اولویت شامل:

- دارا بودن سلاح‌های نامتعارف با ضریب اثرگذاری ۳۰؛
- انعقاد پیمان‌های نظامی - امنیتی با ضریب اثرگذاری ۲۸؛

- گسترش دیپلماسی دفاعی و تخصیص بودجه نظامی هر دو با ضریب اثرگذاری ۲۷؛
 - استفاده از جنگ‌افزارها و تجهیزات نظامی با ضریب اثرگذاری ۲۶؛
 - چهار عامل ایجاد پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی، دارا بودن سلاح‌های پیشرفته، توانایی تولید تجهیزات نظامی و استفاده از قدرت هوشمند هر یک با ضریب اثرگذاری ۲۵؛
 - ارسال کمک‌های نظامی با ضریب اثرگذاری ۲۴؛
 - اعزام وابسته نظامی با ضریب اثرگذاری ۲۳؛
 - فروش تسلیحات نظامی با ضریب اثرگذاری ۲۰؛
 - و در نهایت تعداد کارکنان نظامی یک کشور با ضریب اثرگذاری ۱۷ بر عامل نفوذ نظامی تأثیرگذار است.
- در ادامه تفسیر جدول شماره یک داده‌های مندرج در ردیف تأثیرگذاری بالقوه بیانگر آثاری است که در نتیجه چرخش ماتریس اولیه حاصل شده است. این ضرایب بدان معنی است که در آینده چه تغییراتی در اولویت‌بندی آثار مستقیم متصور خواهد بود. لذا بر اساس داده‌های مذکور موارد زیر مفروض است:
- انعقاد پیمان‌های نظامی - امنیتی با ضریب اثرگذاری ۱۶۵۶۷؛
 - دارا بودن سلاح‌های نامتعارف با ضریب اثرگذاری ۱۶۳۷۸؛
 - تخصیص بودجه نظامی با ضریب اثرگذاری ۱۶۱۰۲؛
 - گسترش دیپلماسی دفاعی با ضریب اثرگذاری ۱۵۹۷۹؛
 - ایجاد پایگاه‌های نظامی با ضریب اثرگذاری ۱۵۱۰۳؛
 - توانایی تولید تجهیزات نظامی با ضریب اثرگذاری ۱۵۰۷۵؛
 - دارا بودن سلاح‌های پیشرفته با ضریب اثرگذاری ۱۵۰۲۱؛
 - استفاده از قدرت هوشمند با ضریب اثرگذاری ۱۴۹۰۱؛
 - ارسال کمک‌های نظامی با ضریب اثرگذاری ۱۴۶۴۳؛

- اعزام وابسته نظامی با ضریب اثرگذاری ۱۳۳۷۳؛
- استفاده از جنگ‌افزارها و تجهیزات نظامی با ضریب اثرگذاری ۱۳۸۸۳؛
- فروش تسلیحات نظامی با ضریب اثرگذاری ۱۲۲۴۱؛
- تعداد کارکنان نظامی بیشتر با ضریب اثرگذاری ۱۰۴۹۵؛

با مقایسه اولویت‌های اثرگذار بر نفوذ نظامی پس از چرخش جدول، همان‌گونه که مشاهده می‌شود انتظار می‌رود که در آینده متغیرهایی چون انعقاد پیمان‌های نظامی و توانایی تولید تجهیزات نظامی در اهمیت بیشتری برای اثرگذاری و توسعه نفوذ نظامی نسبت به امروز برخوردار باشند و متغیرهای: دارا بودن سلاح‌های نامتعارف، ارسال کمک‌های نظامی و استفاده کشور هدف از سلاح‌ها و تجهیزات نظامی کشور نفوذکننده در آینده از ضریب نفوذگذاری کمتری نسبت به حال، برای توسعه نفوذ نظامی برخوردار باشند.



شکل (۴) گراف تأثیر غیرمستقیم عوامل نفوذ قدرت نظامی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در جهان امروز بیش از هر زمان دیگری رقابت برای کسب جایگاه و نفوذ در سطح منطقه‌ای و جهانی به‌شدت افزایش یافته است و منطقه جنوب غربی آسیا به‌عنوان یک زیرمجموعه سیستم بین‌المللی، نمونه‌ای چندوجهی از این نظم نوین جهانی است. این

واقعیت وجود دارد که کنش‌های ژئوپلیتیکی پیچیده و چندگانه با حوزه‌های نفوذ متداخل، شکل گرفته است، با این حال، درک واقعیات ژئوپلیتیکی همراه با اتخاذ استراتژی‌های چندلایه، صلح‌آمیز و واقع‌بینانه، ضامن تأمین امنیت و منافع این کشورها در منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غربی آسیا است. نفوذ نظامی به‌عنوان یکی از ابعاد نفوذ ژئوپلیتیکی بیانگر میزان و نحوه اثرگذاری یک بازیگر سیاسی با استفاده از ابزار نظامی بر فرایندهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و اجتماعی سایر سیستم‌ها در ورای مرزهای سیاسی است که برای تغییر یا تحمیل رفتاری خاص بر سایر بازیگران و رقبا مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌واقع نفوذ نظامی به معنای استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های حوزه نظامی یک کشور در تمامی ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است که به‌منظور پشتیبانی از اهداف ملی و توسعه حوزه نفوذ و در راستای قلمروخواهی و قلمروسازی یک کشور در آن سوی مرزهایش اجرا می‌شود. بر همین اساس می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران با واقع شدن در یک موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز و برخوردار از توانمندی‌های نظامی بومی، قادر است که در راستای تأمین اهداف ملی و امنیت خود به‌طور ویژه‌ای به حوزه‌های قلمرویی در اطراف خود (که در سالیان اخیر نمود بیشتری پیدا کرده است)، توجه ویژه‌ای داشته باشد و با بهره‌گیری از این پتانسیل، زمینه نفوذ نظامی و در یک قاب بزرگ‌تر نفوذ ژئوپلیتیکی خود را در منطقه غرب آسیا در آینده ارتقاء بخشد؛ لذا محقق با بررسی و مطالعه اسناد، مدارک و ادبیات موضوع در منابع داخلی و خارجی و استفاده از نظر صاحب‌نظران، اقدام به شناسایی و اولویت‌بندی پیشران‌های نفوذ نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا کرده است. بر اساس نتایج به‌دست آمده ۱۳ متغیر به‌عنوان پیشران‌های نفوذ نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا به دست آمده است که به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: دارا بودن سلاح‌های نامتعارف توسط کشورهای منطقه، انعقاد پیمان‌های نظامی-امنیتی با کشورهای منطقه، توجه به گسترش دیپلماسی دفاعی، تخصیص بودجه نظامی متناسب با تهدیدات پیش‌رو، استفاده کشورهای منطقه از جنگ‌افزارها و تجهیزات نظامی جمهوری اسلامی ایران، ایجاد پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی در کشورهای هم‌سوی در منطقه غرب آسیا، دارا بودن سلاح‌های پیشرفته، توانایی تولید تجهیزات نظامی در جمهوری اسلامی ایران، استفاده جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت قدرت هوشمند

(قدرت سخت و نرم در کنار هم) در رابطه با کشورهای این منطقه، ارسال کمک‌های نظامی برای کشورهای دوست و هم‌سو و حمایت از گروه‌های نیابتی و محور مقاومت، اعزام وابسته نظامی فعال و مجرب به کشورهای منطقه، فروش تسلیحات نظامی به سایر کشورهای منطقه و در نهایت تعداد کارکنان نظامی آموزش‌دیده و حرفه‌ای جمهوری اسلامی ایران. لذا پیشنهاد می‌شود که طراحان و تصمیم‌گیرندگان کشوری و لشکری با اتکا به نتایج این تحقیق، برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدتی را برای استفاده از ظرفیت و قابلیت‌های حوزه نظامی برای توسعه حوزه نفوذ کشور در ورای مرزهای سیاسی در آینده به‌عمل آورند. بدیهی است که توجه و تمرکز بر این پیشران‌ها می‌تواند تضمین‌کننده منافع ملی در بلندمدت و زمینه‌ساز توسعه و اقتدار برای جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا باشد.

قدردانی

از همه اساتید، اندیشمندان و پژوهشگرانی که در طی انجام این پژوهش خالصانه دیدگاه‌ها و نقطه نظرات علمی خود را ارائه نمودند، تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

- آکادمی پلینزی فرانسه. (۲۰۱۷). فرانسه، یک تأثیر جهانی. سالنامه تصحیح‌شده با موضوع فرانسه و اتحادیه اروپا.
- احمدی، وحیده. (۱۳۹۶). اسرائیل و کشورهای پیرامونی؛ نفوذ امنیتی با پوشش اقتصادی. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال بیستم. شماره دوم. تابستان ۱۳۹۶. شماره مسلسل ۷۶. صص ۱۳۵-۱۱۳.
- اسدی‌کیا، ب. (۱۳۹۹). ژئوپلیتیک تحت فشار ایران استراتژی پیچیده. دیپلماسی صلح، ۳۸-۵۱.
- باقری چوکامی، سیامک. چهره پنهان سیاست بازشناسی تحول نفوذ از نیمه پنهان به پنهان و پنهان‌تر. پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق. چاپ دوم تهران، ۱۴۰۱.
- بیتای، آ. (۱۳۹۸، ۱۱ ۳۰). شورای راهبردی آنلاین. بازیابی در ۹ ۱۰، ۱۳۹۹، از رصد: scfr.ir

- بیتای. آلن، (۲۰۲۱). اتحادیه اروپا ناتوان از تبدیل شدن به قدرت ژئوپلیتیکی واقعی. [..chathamhouse.org](http://www.chathamhouse.org)
- جعفری هرندی، امیررضا. (۱۳۹۵). مدیریت نفوذ ایالات متحده در عراق جدید. نشر دانشگاه امام صادق (ع). تهران.
- جعفری‌نیا، عباس؛ ترکاشوند، نادر؛ مرادیان، محسن. (۱۴۰۱). راهبردهای نظامی جمهوری اسلامی ایران در دفاع منطقه‌ای برای مقابله با تهدیدهای نوپدید مبتنی بر سلفی‌گری. علوم و فنون نظامی. doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/qjmst.۲۰۲۳, ۵۴۷۳۳۴, ۱۶۵۳
- جوانی، نادر؛ کلانتری، فتح‌الله؛ ایجایی، ابراهیم؛ ایمانی، علی. (۱۴۰۲). راهبردهای قدرت‌آفرین جمهوری اسلامی ایران در خلیج‌فارس. آینده‌پژوهی دفاعی. (۲۹)، ۸
۷-۴۰۰۰۰۰: ۱۰.۲۲۰۳۴/۰۰۰۰۰.۲۰۲۳.۱۹۹۰۵۵۶.۱۶۸۵
- حافظ‌نیا، محمدرضا. احمدی‌پور، زهرا. بویه، چمران. (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی و پیدایش ژئوپلیتیک جدید ایران. پژوهشنامه انقلاب اسلامی. دانشگاه همدان. انتشار بهمن ۱۳۹۷.
- ریاضی، وحید. (۱۴۰۱). دیپلماسی دفاعی؛ حیات تا بلوغ. چاپ اول. تهران. انتشارات دافوس آجا.
- زارعی، بهادر؛ نصیرپور، غلامرضا. (۱۴۰۲). ساخت نظام امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران از منظر ژئوپلیتیک. علوم و فنون نظامی. doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/qjmst.۲۰۲۳, ۵۵۲۵۸۰, ۱۷۰۰
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۵). نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه. پژوهشگاه علوم سیاسی. ۱۲ (۱)، ۱۰۱-۱۴۰.
- متقی، افشین؛ ربیعی، حسین؛ گلثومیان، حمیدرضا. (۱۴۰۲). تدوین استراتژی‌های فرا روی ایران در منطقه قفقاز جنوبی. آینده‌پژوهی دفاعی. doi: -. (۳۰)، ۸
۱۰, ۲۲۰۳۴/dfsr.۲۰۲۴, ۲۰۰۹۲۰۸, ۱۷۲۵
- مصدق، مسعود؛ بدیعی ازندهی، مرجان؛ افضل‌ی، رسول؛ مرادیان، محسن. (۱۴۰۲). پیشران‌های اقتصاد سیاسی مؤثر بر قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران. آینده‌پژوهی دفاعی. (۲۹)۸, ۱۶۱-۲۰۳. doi: ۲۰۲۳.۱۹۹۸۹۳۹.۱۶۸۹/dfsr.۱۰.۲۲۰۳۴

- Amitai, Etzioni. (۲۰۱۵). "Spheres of Influence: A Reconceptualization," *The Fletcher Forum of World Affairs* ۳۹, no. ۲

(Summer ۲۰۱۵): ۱۱۷-۱۳۲. See also Van Jackson, "Understanding Spheres of Influence in International Politics," *European Journal of International Security* ۵, no. ۳ (October ۲۰۲۰): ۲۵۵-۲۷۳.

- Saadia M. Pekkanen. (۲۰۱۹). INTRODUCTION TO THE SYMPOSIUM ON THE NE SPACE RACE GOVERNING THE NE SPACE RACE. *AJIL UNBOUND* Vol. ۱۱۳. ۹۲-۹۷.
- Wojtek M. Wolfe & Brock F. Tessman. (۲۰۱۲). China's Global Equity Oil Investments: Economic and Geopolitical Influences, *Journal of Strategic Studies*, ۳۵:۲, ۱۷۵-۱۹۶, DOI: ۱۰.۱۰۸۰/۰۱۴۰۲۳۹۰.۲۰۱۱.۶۳۵۴۶۷

